

جغرافیای مذاهب

۳

نقش بناهای مذهبی :

در کامبوج و سیلان به هنگام احداث معابد و مراکز مقدس ، از طرف حکام و فرمانروایان بودائی فشارهای شدیدی بر بنیانهای اقتصادی این کشورها اعمال شده است زیرا ایجاد معابد بزرگ با دیوارهایی بطول چند کیلومتر و بکارگرفتن دهها هزار نفر از نیروهای فعال جامعه‌ای که تنها پشتوانه اقتصادی آن را کشاورزی تشکیل میدهد عامل شکننده و خردکننده محسوب میشود .

وقتی در جامعه‌ای با اقتصاد ساده ، یک مذهب خارجی نفوذ میکند ظهور تضادها و اختلافات داخلی حتمی است ورود بودائیسیم به نواحی مختلف جنوب شرقی آسیا مثال خوبی بر این گفته است . این تضادها و نابرابریها در شکل و نوع ساختمانهای مقدس نیز منعکس است ، به کلامی دیگر ، تأسیسات و اماکن مقدس مذاهب خارجی ، بتدریج کلیه تأسیسات ابتدائی ، محلی و ناحیهای قلمرو خود را تحت الشعاع قرار داده و تأسیسات خود را از آثار موجود در محل کاملاً مجزا و مشخص میگرداند چنانکه کلیساهای کاتولیکها در جوامع عقب مانده از مهمترین و چشمگیرترین بناهای محلی بشمار آمده و از نظر عظمت و شخصیت ساختمانی قابل مقایسه با ساختمانهای بومیان محلی نیست . از طرفی ساختمان چنین مراکز مقدس برای یک دین و مذهب تازه ، موجب می شود که کلیه نیروهای اقتصادی محلی و بومی در این راه بخدمت گرفته شود و تعادل اقتصادی آنها به سرعت

متلاشی گردد روی این اصل در قرن شانزدهم حکام اسپانیایی در مکزیك ، شکایت میکردند که ساختمان کلیساهای بزرگ ، نیروهای انسانی بومیان محلی را بشدت جذب کرده و آنها را از تولیدات کشاورزی باز داشته است .

بنظر میرسد که در ساختمان معابد و کلیساها کوشش و تلاش فوق العاده ای جهت دست یافتن به سنگهای بسیار بزرگ بکار رفته است و چه بسا این نوع سنگها از مکانهای دوردست به اماکن مذهبی حمل شده است .

سیستمهای مذهبی جهانی و سیستمهای مرکب نژادی معمولاً دارای بناها و مکانهای مقدس زیادی میباشد که با توجه به احتیاجات سازمانی ، ایدئولوژیکی و فضاهای لازم ، تفاوتهایی را در نواحی مختلف جغرافیایی نشان میدهند از اینرو عظمت و بزرگی کلیساها ، مساجد و معابد با ویژگیهای محیطهای جغرافیایی و انجام وظایف مذهبی در آنها بستگی دارد بدین ترتیب بناهایی که برای جمعیت انبوهی با هدفهای مشخص ساخته میشوند از بناهایی که جهت نگهداری یک بت اختصاص یافته وسیعتر و بزرگتر می باشند .

در برخی از سیستمهای مذهبی ، اماکن مقدس نقش مهمی ایفا نمیکند مثلاً در مذاهب چینی و رم قدیم اغلب مراسم مذهبی در محل سکونت مردم و خانههای آنها انجام میگرفت و در نتیجه معابد چینی که در هریک از آنها خدای مذهبی و یا ملی قرار داده شده بود جنبه ظاهری و غیرروحانی داشته است . در طول تاریخ این قبیل معابد همواره از بناهای تاریخی بشمار آمده و محل آنها نیز مرکز ملاقات و تماس نمایندگان مذهبی بوده است . بعضی از این معابد بوسیله حکومتها و دولتهای محلی اداره می شدند و چه بسا در آنها مراسم و تشریفاتی بنفع دولتهای وقت صورت می گرفت .

هندوئیسم نیز از خدایان زیادی بهره مند بود ولی اغلب زیارتگاههای آن غیر مشخص جلوه می کرد این خدایان در محلهای مخصوصی و به شکل خاصی نگهداری میشدند و اداره آنها را فرقه های مذهبی و افراد ثروتمند و سرشناس بعهده داشتند . ثروت و دارائی معابد هندو بسیار زیاد و تاحدی باور نکردنی است حدس میزند که ارزش

جواهرات، مستغلات و دارائی آنها به ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار بالغ گردد. وسعت زمینهای اشغال شده بوسیله معابد با حاصلخیزی و تولیدات محلی و منابع اقتصادی آن رابطه دارد. گاهی اوقات نیز فکرایجاد معابد بزرگ از طرف حکام فئودال عملی میشود. معابد هندو از نظر طرح ساختمان تفاوتهای چندی را با مساجد و کلیساها نشان میدهند.

الف - در بعضی از معابد، خدا در زیارتگاههای مقدس و نیمه تاریک قرار گرفته است.

ب - در اغلب نواحی فضای معابد بزرگ نیست ولی برای آب تنیهای مقدس مردم محللهای مناسبی ساخته شده است.

ج - محلی جهت ادای تشریفات مذهبی اختصاص یافته است.

د - درهای معابد استادانه طرح شده و داخل معابد از راهروهای ستوندار بوجود آمده است.

ه - بعنوان محللهای مقدس در داخل دیوارهایی محصور گردیده است و در بیشتر موارد نگهبانان و هنرمندانی چند بخدمت آنها گماشته شده اند که در همان محلها زندگی میکنند.

ادیانی که اساس بنیانهای فکری آنها در گردآوری مردم در روزها و محللهای معینی است بفضاهای وسیعتری احتیاج دارند مثلا دین یهود محلی بنام کنیسه دارد که عدهای را در خود جای میدهد. عبادتگاههای مسلمانان نیز که مسجد خوانده می شود دارای فضای وسیعی است و گاهی نیز محللهائی ضمیمه این مساجد است. مسیحیت نیز از این امتیازات برخوردار می باشد و اصولا از ابتدای نشر تعالیم عیسی، کلیسا دارای دو وظیفه بود: ۱- محل اجتماع مردم ۲- جایگاه خدا.

در دین اسلام، محل عبادت یکی از جالبترین بناهای اجتماعی است و حتی این محلها در شهرهای بزرگ ممالک اسلامی از اعتبار و عظمت خاصی برخوردارند ولی در

جوامع روستائی ممالک مسلمان نشین ، تشخیص آنها از دیگر ساختمانهای محلی چندان آسان نیست و مثل خانه‌های گلی روستائیان ، محقر و کوچک جلوه میکنند . در دین اسلام و یهود تنها جماعات مؤمنین میتوانند در جامعه بزرگ دینی‌شان مؤثر باشند و همین‌ها هستند که به کنیسه‌ها و مساجد جنبه‌های روحانی می‌بخشند از اینرو اگر در یکی از مراسم مذهبی یهود ، جمعیت شرکت‌کننده کمتر از ده نفر باشد این مراسم ارزش و اعتبار زیادی از نظر مذهبی نخواهد داشت .

گفتیم که در دین اسلام تفاوت‌های روشنی بین مساجد شهری و روستائی دیده میشود علت اصلی چنین رویدادی به اوایل اسلام و توجه خاص فرمانروایان اسلامی مربوط می‌گردد . در این دوره ساختمان مساجد و اجرای برنامه نماز جمعه از وظایف حاکم محل بود و مردم شهرها نیز در روزهای جمعه در مساجد بزرگ جمع میشدند این رسم بعدها در تمام شهرهای نواحی مسلمان نشین معمول گشت . گوستاو فن گرون بوم^۱ در زمینه تفاوت‌های موجود بین عبادتگاههای مسلمانان چنین اظهار عقیده میکند : « قانون قرآن توجه بیشتری به زندگی شهری دارد از اینرو در شهرهای بزرگ یک مسجد جامع با فضای وسیع ، آماده برگزاری مراسم روز جمعه است همچنین در شهرهایی که بازارها و حمامهای عمومی زیادی وجود دارد مراسم دینی بطور کامل انجام می‌گیرد » .

از قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی ، ساختمان مساجد کوچک و اهدا و وقف آنها از طرف ثروتمندان روستاها و بخشها عملی شد این مساجد کم‌فضا علاوه از وظایف مذهبی نقشهای اجتماعی زیر را نیز ایفا میکنند :

- ۱- محل ملاقات ، مشورت و بحث روستائیان است .
 - ۲- بجای دبستان ، اطفال روستاها را تعلیم میدهد .
 - ۳- برای مسافرین جایگاه استراحت و محل آشنائی با مردم روستاها میباشد .
- بدین جهت وجود ۱۵۰۰ مسجد در دمشق و ۸۰۰ مسجد در قاهره در اوایل سال

هزار میلادی نمی‌تواند آنها را تنها به‌عنوان مراکز مذهبی و یا غیر لازم معرفی کند .
 در بعضی نواحی جغرافیائی، سیستمهای بزرگ مذهبی در ایجاد فضای عبادتگاهها
 میزان تراکم جمعیت را در نظر می‌گیرند مثلا گاهی کلیساهای پروتستانها گنجایش ۱۰۰
 نفر را دارد در حالیکه در بخشهای روستائی ناحیه دکن هند ، برای هر ۴۴۰ نفر و در
 شهر کوچک گوجراتی^۱ برای هر ۵۰۰ نفر يك معبد وجود دارد . در ناحیه مسلمان نشین
 خاورمیانه، کلیساهای مسیحی در بخشهایی از لبنان، آنجا که مسیحیت غلبه دارد بسیار زیاد
 است و حتی گفته می‌شود که در آنها برای هر يك از علاقه‌جانات رعیتی يك کلیسا وجود دارد.
 بطور کلی در تأسیس عبادتگاهها میزان جمعیت ، تعداد پیروان و ایمان مذهبی آنها
 مؤثر می‌باشد .

در اغلب نواحی جغرافیائی، پراکندگی کلیساها و علائم سمبولیک آنها نمایشگر
 تأثیر و قبول عوامل مذهبی است در نقاط کاتولیک نشین مثل باواریا^۲ «جنوب آلمان» و همچنین
 در اطریش، زیارتگاههای کنار جاده‌ها و صلیبهای سنگی آنها معرف این نظریه است. بعضی
 از ادیان از آن جمله دین یهود فاقد چنین بناهای سمبولیک می‌باشد. در دین اسلام مساجد
 و مکانهای مقدسی که دارای قبور نیز می‌باشند کم نیستند این قبیل بناها جهت یادآوری و
 احترام به صاحبان قبور که معمولا از شخصیتهای ممتاز دینی هستند و نیز برای مقدس جلوه
 دادن شهرهای اوایل اسلام ساختمان شده‌اند .

گورستانها :

اختصاص زمین برای دفن مردگان در ادیان یهود، مسیح و اسلام آنها را از ادیان
 هندو، بودا و برخی از ادیان کشور ژاپن که مرده‌ها را می‌سوزانند متمایز و مشخص می‌دارد.
 چینی‌ها که مردگان خود را دفن کرده و برای آنها یادبودهایی ترتیب می‌دهند
 با سایر ادیان و مذاهب شرقی تفاوتی دارند. در عصر ما مراسم تدفین در امریکا متمم
 آداب و رسوم چینی و نیز در بعضی موارد با مراسم مصریان قدیم مشابه می‌باشد. اصولا

جوامعی که جهت دفن مردگان خود مراسمی برپا می‌کنند برای تأمین محل مورد نیاز همه‌ساله به زمینهای جدیدی احتیاج دارند. قبل از انقلاب کمونیستی در چین، مقبره‌های خانوادگی اغلب در مزارع بنا می‌شد تا مراسم دینی بطور مرتب و کامل انجام گیرد چنین رسمی ۰۲٪ زمینهای قابل کشت دشتهای شمال چین و ۰۱۰٪ زمینهای حاصلخیز نواحی دیگر را به‌خود اختصاص داده بود به‌عبارت دیگر با اعمال این روش همه‌ساله مساحت زیادی از زمینهای قابل کشت از تولیدات کشاورزی محروم می‌گشت.

با اینکه در اغلب کشورها، گورستانها با چمن‌ها و گل‌کاریهای زیبا بصورت آبرومند درآمده‌اند ولی در جوامع پرجمعیت ممالک غربی به ویژه در مجموعه‌های شهری «Conurbation» آنها ناراحتی‌های زیادی از این طریق به‌وجود می‌آید. از طرفی می‌توان از این گورستانها در نواحی پرجمعیت شهری در ایجاد پارک‌ها و فضاهای سبز استفاده کرد همان عملی که در بعضی از ممالک مسلمان نشین مخصوصاً ایران صورت می‌گیرد اما بسیاری از مسیحیان این عقیده را قبول ندارند.

حیوانات و گیاهان مقدس :

در اغلب ادیان گیاهان و حیوانات بخصوصی عزیز و محترم شمرده می‌شوند و برای برخی از آنها نیز عناوین و مفاهیم مقدسی داده شده است. پراکندگی جغرافیائی گیاهان و حیوانات مقدس به‌دگرگونیهای مذهبی، مسیرهای مهاجرتی و جابجائی اقوام و تیره‌ها بستگی دارد. بعضی اوقات گیاهان مقدس برای رسیدن به‌محل جدید از مسیرها و راههای طولانی عبور داده می‌شوند چنانکه درخت مقدسی در هند بنام پایپل pipal یا بو bo که به‌هیچوجه ارزش اقتصادی و تزئینی ندارد بوسیله بودائیان از شمال هند به‌سیلان و ژاپن رسیده است.

ارزش معنوی شراب مقدس در دین یهود و بعضی مذاهب دین مسیح موجب شده است که پرورش درخت تا آن سوی نواحی مدیترانه نیز گسترش یابد. حتی یهودیانی که

در قرن نوزدهم وارد سرزمین فلسطین شدند به سرعت به پرورش درختان مو و بهره برداری از انگور آن اقدام کردند. از طرفی راهبان مسیحی نیز در طول ناحیه راین^۱ و موزل^۲ علاقمندند که از آن شراب تهیه کنند ولی در نواحی شمالی اروپا اهمیت و ارزش این درخت چندان مهم نبوده است.

گیاهان و حیواناتی که در آئین‌های مختلف مورد توجه و احترام واقع شده‌اند با گذشت زمان با محیط‌های جغرافیائی و بومیان محلی درهم آمیخته و از همه جهت اهلی گشته‌اند.

اسامی مکانها :

اسامی و عناوین سرزمینها و مکانهای مقدس در اغلب موارد با پدیده‌ها و رویدادهای تاریخی بستگی داشته و یادگار دوره‌های تاریخی آنها است. گاهی نیز اسامی این قبیل مکانها متعلق به آداب و رسوم و معتقدات بومیان محلی قبل از پذیرفتن مذاهب جدید است چنانکه به هنگام ورود اسپانیائیمها، پرتغالیها و فرانسویها به قاره آمریکا، بسیاری از مکانها و عناوین مذهبی قبلا به وسیله ساکنین اصلی این سرزمینها انتخاب شده بود.

در کشور فرانسه اسامی مکانهای مقدس ابتدا در نواحی غربی آن گسترش یافت و سپس به سایر نواحی کشور رسید. توسعه اسامی مقدس با پراکندگی جمعیت در نواحی مختلف فرانسه رابطه مستقیم داشته است. گاهی پیشوند بعضی از کلمات حالت مقدس بودن آن را می‌رساند چنانکه در جنوب هند اسامی که با پیشوند *tiru* شروع می‌شود نمایشگر جنبه‌های روحانی آنها است.

جنبه‌های منفی ادیان

بسیاری از محرمانه‌ها که جوامع انسانی خود را در چهارچوب آنها محدود و مقید می‌سازند مستقیماً در محیط جغرافیائی آنها مؤثر می‌افتند و چه بسا محدودیت‌هایی نیز در عوامل جغرافیائی نواحی مسکونی به وجود می‌آورند. آنچه در زیر می‌آید نظری است

به بخشی از این محرّمات با معیارها و سنجش‌های جغرافیائی :

دتابو،ی^۱ مواد غذائی :

تحریم برخی از مواد غذائی از نظر جغرافیائی اهمیت زیادی دارد به ویژه که چنین عاملی در نواحی مختلف جغرافیائی با توجه به معتقدات مذهبی مردم یکسان و یکنواخت عمل نمی‌کند و چه بسا دگرگونیهای در اقتصاد کشاورزی به وجود می‌آورد. در برخی از ادیان، تحریم پاره‌ای از مواد غذائی بطور صریح ذکر شده است درحالیکه در بسیاری دیگر این مسأله چندان روشن و آشکار بنظر نمی‌رسد.

در ادیان مختلف کشتن و خوردن گوشت بعضی از حیوانات حرام گردیده است در چنین موردی علاوه از جنبه‌های بت‌پرستی، جنبه‌های اخلاقی مسأله نیز از نظرگاه رهبران دینی رعایت شده است مثلاً در دستورهای دینی بسیاری از ادیان کشتن میمون و مصرف گوشت آن جایز نیست زیرا این حیوان به انسان شباهت بسیار دارد همچنانکه آدم‌خواری نیز در اغلب ادیان محکوم شده است.

از نظر جغرافیائی تحریم مواد غذائی به ویژه تحریم گوشت خوک و گاو مهم بنظر می‌رسد. با توجه به اینکه منشأ وزادگاه ادیان از نواحی مختلف جغرافیائی است از اینرو عوامل جغرافیائی در نواحی مختلف سیاره زمین بصورت‌های گوناگونی از این مسأله متأثر شده است. چنانکه مصرف گوشت خوک برای مسلمانان و یهودیان حرام است زیرا گوشت این حیوان اخلاقاً تمیز نیست و تولید آلودگی می‌کند به همین جهت خرید و فروش آن نیز حرام اعلام شده و چه بسا در نواحی مسلمان‌نشین اساساً پرورش نمی‌یابد. در سیستم‌های اقتصاد کشاورزی، پرورش خوک به مواظبت و سرمایه کمتری احتیاج

۱- Taboo.

تابو لفظی است پولینزی در مفهوم آنچه که تحریم و یا ممنوع گردیده است. در اصطلاح علوم انسانی از تابوها به محرّمات و ممنوعات تعبیر می‌کنند. در تاریخ ادیان می‌توان صورت تکامل یافته و تلطیف شده تابو را با اندک تسامحی با کلامه گناه معادل دانست؛ از کتاب فلسفه علوم تألیف دوست دانشمند آقای دکتر ترابی.

دارد در بعضی نواحی اسپانیا و پرتغال خوک اصولاً يك حیوان جنگلی است و منبع غذایی موجود و ارزان، میزان خوک را در شبه جزیره ایبری تا ۸/۰۰۰/۰۰۰ رأس رسانیده است یعنی برای هر ۱۰۰ نفر ۲۱ خوک وجود دارد چنین مشخصاتی در کوههای اطلس و در طول تنگه جبل الطارق ناپدید می شود زیرا نفوذ و تسلط قوانین اسلامی در این نواحی بسیار چشمگیر است. در نواحی مدیترانه شرقی، گسترش قوانین اسلامی در طول قرنهای گذشته آنچنان مؤثر بوده است که حتی در بعضی نقاط مسیحی نشین لبنان نیز پرورش خوک مورد توجه نمی باشد. در حالیکه بخشهایی از شرق مدیترانه جهت پرورش این حیوان امکانات مساعدی را فراهم می آورد.

در نواحی بین‌المدارین قاره آسیا آنجا که اسلام نفوذ کرده است نگهداری و پرورش خوک به شدت محدود شده است مثلاً مردم مسیحی فیلیپین بیش از ۶/۰۰۰/۰۰۰ رأس خوک دارند یعنی نسبت به جمعیت، در مقایسه با کشور اندونزی که دین اسلام آئین مردم آن است بیست برابر بیشتر است از طرفی اگر مسیحان و چینی های اندونزی را که به پرورش خوک اقدام می کنند کنار بگذاریم تفاوت عددی بسیار زیاد خواهد بود. گوشت خوک که امروزه مسلمانان جنوب شرقی آسیا از آن به شدت پرهیز می کنند زمانی خوراک ممتازی شناخته می شد که در اعیاد و جشنهای بزرگ از آن استفاده می گشت این رسم هم اکنون نیز میان غیرمسلمانان این نواحی معمول است.

تحریم گوشت گاو در جامعه هند و در بسیاری از ممالک بودائی از تحریم گوشت خوک زبان بخش تراست بدین معنی، که در محیطهای جغرافیائی که مصرف گوشت خوک جایز نیست مردم آن اساساً به پرورش این حیوان نیز اقدام نمی کنند در حالیکه در مورد گاو این چنین نیست.

آهمسا Ahimsa مفهوم مذهبی جالبی است این آئین تمام حیوانات را عزیز و مقدس می شمارد و کشتن آنها را نیز جایز نمی داند. در تحریم گوشت گاو که متأثر از مفاهیم مذهبی آهمسا است موضوع صورت پیچیده و ناخوشایندی بخود می گیرد زیرا با قبول این

مفاهیم و پرهیز از کشتن حیوان، میزان گاوهای زنده، پیر و مریض به سرعت افزایش می‌یابد و برگرفتاریها و نیازمندیهای جوامع انسانی می‌افزاید همچنانکه امروزه کشور بزرگ هند با فقر ابدی دست به‌گریبان است. اصولاً در نواحی که تحت نفوذ آئین هندوئیسم قرار دارد پرورش چهارپایان اهلی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و از آنها تنها برای حمل بار و یا تولید شیر استفاده می‌شود. از طرفی با آگاهی‌هایی که از اوضاع پریشان اقتصادی هند در زمینه‌های کشاورزی و فراورده‌های دامی داریم عده‌ای از محققین برخی از عقاید دینی هندوها را محکوم کرده و مفاهیم گاو مقدس را در جامعه امروزی قبول نمی‌کنند در ضمن بهره‌برداری از فراورده‌های دامی و ذبح گاوها را به شدت توصیه می‌کنند. گفتیم که آهمسا مفهوم مذهبی جالبی از نظر هندوها است با وجود این لازم است که پاره‌ای از اصول آن با پرورش حیوانات و بهره‌مندیهای دائمی از آنها تطبیق داده شود زیرا حدس می‌زنند که کنترل شدید پرورش و افزایش گاو در هند، بفتح جامعه کشاورزی این کشور بوده و نتایج اقتصادی شکوفان به بار می‌آورد. از طرفی از نظر مصرف مواد غذایی تفاوت‌های شدید اکولوژیکی بین گروه‌های مذهبی هند دیده می‌شود خوکها در دهات مسلمان نشین و هندو نشین پیدا نمی‌شوند ولی در نواحی مسیحی نشین کشور، آنها را می‌توان در کنار جاده‌ها مشاهده کرد که در پی خوراکی می‌گردند.

گاهی تابوهای غذایی از واطلبی و گوشه‌گیری خاصی در جامعه به وجود می‌آورند چنانکه مسلمانان و یهودیانی که خوک را ناپاک می‌دانند سعی می‌کنند خود را از پیروان مذاهب دیگر که گوشت این حیوان را مصرف می‌کنند دور نگه‌دارند اعمال چنین حالتی محلات و کویهای مخصوص اقلیت‌های مذهبی را توسعه می‌بخشد و از واطلبی آنها را موجب می‌گردد. از اینرو در بعضی از شهرها جدائی‌گزینی کلیمی‌ها نتیجه‌گریز از تابوهای غذایی است.

تفاوت‌های زیاد و نامحدودی در مصرف مواد غذایی بین جوامع دینی وجود دارد چنین تفاوتها و تضادها چه بسا که علل و نتیجه روشنی نیز ندارند مصرف ماهی در میان

مردم هند و همچنین مسیحیان اروپا در قرون وسطی بهترین مثال در این باره است : حرام بودن مصرف ماهی در آئین هندو در نواحی مختلف آن فرق می‌کند برهن‌ها با اینکه مطابق قوانین دینی خود سبزی‌خوارند ولی عده‌ای از آنها که در بنگال زندگی می‌کنند اجازه دارند که ماهی نیز مصرف کنند در حالیکه تعداد کثیری از هندوها از مصرف گوشت ماهی اجتناب می‌ورزند. این قبیل دستورهای مذهبی در تجارت ماهی و نقش اقتصادی آن در جامعه فقیر هند تأثیر بسیار داشته و تولید محصول آن را در مقایسه با سایر فعالیت‌های اقتصادی در سطوح پائین‌تری قرار داده است. از طرفی در جامعه بزرگ هند سازمان‌های ماهی‌گیری و مؤسسات وابسته به آنها نیز از عکس‌العمل‌های منفی جامعه برکنار مانده و همواره از دریافت کمک‌های مادی سازمان‌های دیگر برای رفع مشکلات خود محروم گشته‌اند.

پرهیز و امساک اروپای کاتولیک از غذاهای گوشتی به جز گوشت ماهی در روزهای جمعه، توسعه و گسترش ماهی‌گیری را در قرون وسطی سبب شده است تا آنجا که در قرن پانزدهم ماهی‌گیران و دریانوردان اسکاتلندی‌نای و برتنی Breton نواحی مختلف دریای شمال را در نور دیدند و در بالا بردن میزان صید و کنسرو ماهی کوشش‌هایی را معمول داشتند.

در مذهب کاتولیک ماهی سمبل و نشانه اوایل مسیحیت است که برای ماهی‌گیران ارزش و اهمیت زیادی قائل بوده‌اند بطوریکه حضرت مسیح در آیه‌ای خطاب به ماهی‌گیران چنین می‌گوید: «بهمن ایمان بیاورید من شما را ماهی‌گیران بشر خواهم کرد». بدین ترتیب برخلاف جامعه هندو، جامعه مسیحی قرون وسطی ماهی‌گیری را تشویق و ترغیب می‌کرد.

گاهی اوقات در یک جامعه دینی امکاناتی به وجود می‌آید که موجب ظهور اختلاف میان پیروان یک دین در زمینه مصرف مواد غذایی می‌گردد مثلاً در میان پیروان بودا، بی‌میلی در کشتن دامها و مصرف گوشت گاو بتدریج که از مرکز این آئین دور شویم از شدت آن کاسته می‌شود. در زمان‌های گذشته در کشور ژاپن، پرورش گاو و مصرف گوشت آن از جهات مذهبی زیاد مورد توجه نبوده است در حالیکه در عصر ما حتی کشیش‌های بودائی نیز با انعطاف پذیری خاصی به خوردن گوشت گاو علاقه نشان می‌دهند. مثلی در باره مسلمانان

چنین می‌گوید؛ «هرگاه دو مسلمان باهم به‌خارج از کشور خود مسافرت کنند ضعیف و لاغر خواهند شد ولی اگر هر یک به‌تنهایی به‌این مسافرت اقدام کنند چاق و قوی به‌کشور خویش مراجعت می‌کنند یعنی با ترك محل مسکونی و دوری از آن از تعصب شدید نسبت به‌مصرف برخی از مواد غذایی کاسته می‌شود و با امکاناتی که در زمینه مصرف مواد غذایی گوناگون پیش می‌آید در سلامتی جسمی مرد مسلمان مؤثر می‌افتد».

پرورش خوك میان یهودیان اسرائیل معمول نیست درحالی‌که نه نفر از هرده نفر یهودی ساکن امریکا این مسأله را رعایت نمی‌کنند. در مورد نوشابه‌های الکلی نیز وضع به‌مین منوال است بعضی از فرقه‌های هندو و پروتستان، مصرف مشروبات الکلی را حرام می‌دانند همچنان‌که در دین اسلام نیز آن را قدغن کرده‌اند و برخی از فرقه‌های مذهب سیک Sikh از دود کردن تنباکو اجتناب می‌کنند مورمانها قهوه و چائی را نیز به آن اضافه کرده‌اند.

در ممالک اسلامی با توجه به‌تحریم نوشابه‌های الکلی، درخت مو را تنها برای استفاده از انگور و تهیه‌کشمش آن پرورش می‌دهند از اینرو تولید و پرورش این درخت در نواحی دریای مدیترانه آنجا که از پرورش خوك محروم است نسبتاً محدود می‌باشد.

بقیه دارد